

کلاف پیچیده فصل هفت

آیا راهی برای توقف اجرا شدن اسنپ‌بک وجود دارد

زمن محدودیت‌های رسمی می‌کنند. واشنگتن بارها اولویت‌های اجرایی را روی کاغذ اعلام کرده است، اما اقدامات عملی محدودی انجام داده است. در واقع، در ژوئن ۲۰۲۵، مقامات آمریکایی تصریح کردند که با وجود فعالیت‌های اجرایی بر جسته، هزینه‌های معناداری را به چین یا عراق برای ادامه تجارت با ایران تحمیل نکرده‌اند.

▼ مسابقه اروپا با زمان

اعلامیه سه کشور اروپایی، سپتامبر را به عنوان پنجره حیاتی برای اقدام تعیین کرده است. دوضرب‌الاجل، تصمیم سه کشور اروپایی را شکل می‌دهد. اول، پنجره اسنپ‌بک قطعنامه ۲۲۳۱ در ۱۸ اکتبر از بین می‌رود، پس از آن هرگونه تلاشی برای اعمال مجدد تحریم‌ها نیاز به رأی‌گیری مجدد در شورای امنیت دارد که این رأی‌گیری در برابر وتوی مسکو یا پکن آسیب‌پذیر است. دوم، کشورهای اروپایی سپتامبر را به عنوان نقطه عطف رویه‌ای می‌دانند، زیرا که جنوبی ریاست شورای امنیت سازمان ملل را بر عهده دارد و یک محیط بی‌طرف ارائه می‌دهد. تا اکتبر، روسیه ریاست شورای امنیت را در دست خواهد داشت؛ بنابراین هرگونه اقدام آینده را پیچیده می‌کند. بنابراین، جلسات ژنو در دوم سپتامبر و پس از آن، آخرین فرصت عملی اروپا برای یافتن یک راه‌حل دیپلماتیک قبل از تبدیل شدن مکانیسم ماشه به یک عمل انجام شده، تلقی می‌شود.

این جدول زمانی، جلسه ژنو در دوم سپتامبر را به طور بالقوه به آخرین فرصت واقعی برای یک راه‌حل دیپلماتیک قبل از اینکه اروپا احساس کند مجبور به اقدام است، تبدیل می‌کند. گروه بین‌المللی بحران خاطر نشان می‌کند که سه کشور اروپایی در صورت برآورده شدن شرایطی مانند بازگرداندن نظارت و حسابرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر ذخایر اورانیوم غنی شده، پیشنهاد تمدید شش ماهه مهلت مکانیسم ماشه را برای یک بار ارائه دادند اما تهران این پیشنهاد را رد کرده است. اگرچه طبق گزارش‌ها، سه کشور اروپایی هنوز هم پذیرای تأخیرهای محدود و مشروط هستند، اعلام عمومی فعال سازی مکانیسم ماشه نشان می‌دهد که اروپا آماده است تا اجرای تحریم‌ها را بر صبر و شکیبایی اولویت دهد.

دچار اختلافات فراتلانتیکی هستند اما در خصوص ایران موضوعی مشترک دارند. هدف دیگر این بیانیه این است که فشار بیشتر به دور دیگری از درگیری منجر نشود.

▼ قدرت و محدودیت‌های اسنپ‌بک

در مرکز این ماجرا یک تدبیر حقوقی قدرتمند قرار دارد. قطعنامه ۲۲۳۱، که بر جام ۲۰۱۵ را تدوین کرد، به هر کشور امضاکننده بر جام اجازه می‌دهد تا ایران را به عنوان طرفی که «از اجرای بر جام عدول کرده» اعلام کند. پس از اعلام چنین تصمیمی و ارجاع به شورای امنیت، شمارش معکوس ۳۰ روزه آغاز می‌شود: اگر اعضا، قطعنامه جدیدی مبنی بر لغو تحریم‌ها تصویب نکنند، تمام تحریم‌های سازمان ملل که قبلاً تحت بر جام لغو شده بودند، به طور خودکار بازمی‌گردند. این مکانیسم پیش‌فرض عملاً وتوهای احتمالی روسیه یا چین را دور می‌زند.

در صورت فعال شدن، مکانیسم ماشه شش قطعنامه گذشته بین سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۰ احیا می‌شود و تحریم تسلیحاتی، ممنوعیت فعالیت‌های مرتبط با موشک‌های بالستیک و محدودیت‌های مالی گسترده برقرار می‌شود. بنابراین برنامه هسته‌ای و موشکی ایران با آسیب مواجه خواهند شد. حتی اگر اجرای تحریم‌ها با توجه به اینکه چین و روسیه احتمالاً برخی از قوانین را نادیده خواهند گرفت، کامل نباشد، باز هم اثرات نمادین و روانی قطعنامه سازمان ملل قابل توجه خواهد بود و فشار اقتصادی بر ایران را بیشتر، دیدگاه سرمایه‌گذاران را تیره‌تر و ریال را بیشتر تضعیف می‌کند.

با این حال، با توجه به شکاف‌های اجرایی ساختاری، به‌ویژه توسط ایالات متحده - موضوعی که ایران را قادر ساخته است صادرات قابل توجه نفت به چین را حفظ کند و جریان‌های درآمد حیاتی را با وجود تحریم‌های اسمی حفظ کند - اثرات «نمادین» ممکن است بسیار بر جسته‌تر از اثرات مادی باشند. داده‌های اخیر تأیید می‌کنند که محموله‌های نفت خام ایران به چین در ژوئن ۲۰۲۵ به بالاترین رکورد خود رسیده است، به طور متوسط تا ۱/۸ میلیون بشکه در روز، که عمدتاً با تخفیف‌های زیاد فروخته می‌شوند و پالایشگاه‌های «تی‌پات» چینی را تشویق به دور



در صورت فعال شدن، مکانیسم ماشه شش قطعنامه گذشته بین سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۰ احیا می‌شود و تحریم تسلیحاتی، ممنوعیت فعالیت‌های مرتبط با موشک‌های بالستیک و محدودیت‌های مالی گسترده برقرار می‌شود. بنابراین برنامه هسته‌ای و موشکی ایران با آسیب مواجه خواهند شد

هفته‌های آینده ممکن است در رویارویی طولانی اروپا با ایران بر سر برنامه هسته‌ای تهران تعیین کننده باشد. در ۲۸ آگوست، بریتانیا، فرانسه و آلمان اعلام کردند که مکانیسم «اسنپ‌بک» را تحت قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد (UNSC) فعال خواهند کرد و رسماً یک فرآیند ۳۰ روزه را آغاز می‌کنند که احتمالاً به بازگرداندن کامل تمام تحریم‌های سازمان ملل متحد که تحت توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ ایران، که رسماً با عنوان برنامه جامع اقدام مشترک شناخته می‌شود، لغو شده بود، منجر خواهد شد. این تصمیم که بلافاصله توسط ایالات متحده مورد حمایت قرار گرفت، نشان‌دهنده تشدید تلاش اروپا برای اعمال فشار بر تهران و در عین حال نشان‌دهنده تمایل اروپا به حفظ هماهنگی نزدیک با واشنگتن و کاهش خطر چرخه دیگری از تنش است.

▼ مخاطرات غیر معمول و خطرناک

اهرم فشار اروپا، تاریخ انقضای زودگذر دارد. در ۱۸ اکتبر، ظرفیت قانونی یک کشور اروپایی برای فعال کردن یکجانبه اسنپ‌بک منقضی می‌شود و به اندک اهرم رویه‌ای باقی‌مانده اروپا پایان می‌دهد. در همین حال، ایران همچنان درگیر اختلافات سیاست داخلی، بحران‌های اقتصادی و پیامدهای بلندمدت حملات اسرائیل و ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای است. نتیجه این فرآیند ۳۰ روزه می‌تواند تعیین کند که آیا ایران در چارچوب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) باقی می‌ماند یا تصمیم خواهد گرفت مسیر ایزتادگی را در پیش بگیرد. در هر صورت این چرخه می‌تواند به رویارویی ختم شود که عواقبی بسیار فراتر از خاورمیانه خواهد داشت.

تصمیم سه کشور اروپایی بلافاصله مورد حمایت واشنگتن قرار گرفته است. مارکو روبریو، وزیر امور خارجه، از این اقدام استقبال کرد و در عین حال تأکید کرد که ایالات متحده «برای تعامل مستقیم با ایران - در راستای دستیابی به یک راه‌حل صلح‌آمیز و پایدار برای مسئله هسته‌ای ایران - همچنان در دسترس است.» بیانیه او تلاش اروپا برای همسویی نزدیک با ایالات متحده را بر جسته می‌کند. این بیانیه یک هدف دیگری نیز دارد و آن اینکه به ایران این پیام ارسال شود که آمریکا و اروپا

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

پیشنهاد هسته‌ای به آمریکا



رابرت آینهورن

مذاکره‌کننده ارشد سابق آمریکا

مدافعان دستیابی به سلاح هسته‌ای در ایران، چه درون حاکمیت و چه بیرون آن، با ممنوعیت غنی‌سازی به‌شدت مخالفند و آن را معادل کنار گذاشتن کامل آرزوهای هسته‌ای می‌دانند. با وجود مخالفت سرسختانه تئودورا و هراس رهبر جمهوری اسلامی از پیامدهای داخلی پذیرش «غنی‌سازی صفر»، احتمال چنین عقب‌نشینی‌ای اندک است. برخی کارشناسان بیرونی پیشنهادهایی برای پر کردن شکاف ظاهر آبرزشدنی ایران و آمریکا در موضوع غنی‌سازی داده‌اند. یکی از این ایده‌ها ایجاد یک کنسرسیوم چندملیتی برای تولید اورانیوم غنی شده جهت رفع نیازهای غیرنظامی هسته‌ای منطقه است. موافقان معتقدند مشارکت چند کشور در مالکیت و مدیریت - شاید حتی در بهره‌برداری - از یک تأسیسات غنی‌سازی، شفافیت بیشتری می‌آورد و احتمال انحراف به سوی تولید اورانیوم با غنای تسلیحاتی را کاهش می‌دهد اما یافتن فرمولی برای چنین کنسرسیومی که هم برای تهران و هم برای واشنگتن پذیرفتنی باشد، بسیار دشوار خواهد بود. اگر تأسیسات در کشوری عربی در خلیج فارس ساخته شود و ایران از هرگونه غنی‌سازی داخلی محروم شود، برای تهران جداییت نخواهد داشت. در مقابل، اگر ادامه غنی‌سازی در ایران مجاز شود، برای واشنگتن غیرقابل قبول خواهد بود. همچنین اداره چندملیتی هرگونه تأسیسات غنی‌سازی - هرچاه باشد - می‌تواند به گسترش فناوری غنی‌سازی به کشورهای دیگر بینجامد که از منظر عدم اشاعه مشکل ساز است. از آنجا که اختلاف بر سر غنی‌سازی مانع توافق جامع است، مذاکره کنندگان آمریکا و ایران مکرر به توافق موقت فکر کرده‌اند؛ توافقی با مدت محدود که موضوع غنی‌سازی را فعلاً کنار بگذارد، روی بسته‌ای کوچک از اقدامات مورد علاقه یکی از طرفین تمرکز کند و زمان بخرد برای رسیدن به توافق نهایی. چنین توافقی می‌تواند به هر دو طرف کمک کند بدون مواجهه با هزینه‌های سیاسی داخلی شکست مذاکرات یا پذیرش امتیازات دردناک، گفت‌وگوها را ادامه دهند. گزینه‌ی بهتر برای ایالات متحده این خواهد بود که پیشنهاد «غنی‌سازی صفر» خود را مورد بازنگری قرار دهد و در عوض، تلاش کند در باره‌ی یک برنامه‌ی غنی‌سازی اورانیوم بسیار محدود و به‌شدت راستی‌آزمایی شده وارد مذاکره شود. یک پیشنهاد بازنگری شده از سوی آمریکا می‌تواند بر این اصل استوار باشد که به ایران اجازه داده شود برنامه‌ی غنی‌سازی‌ای داشته باشد که صرفاً قادر به پاسخگویی به نیازهای واقعی و کوتاه‌مدت سوخت برای یک برنامه‌ی هسته‌ای واقعاً صلح‌آمیز باشد؛ موضعی که با ادعای دیرینه ایران مبنی بر اینکه برنامه‌اش همواره صرفاً صلح‌آمیز بوده، هم‌راستا است. چنین رویکردی مستلزم آن خواهد بود که ایران ذخایر کنونی اورانیوم با غنای بیش از پنج درصد در ایزوتوپ U-۲۳۵ را از میان بردارد، یا از طریق رقیق‌سازی آن‌ها یا انتقال‌شان به کشور دیگر (همان‌گونه که موجودی مازاد اورانیوم غنی‌شده‌ی ایران تحت «برنامه جامع اقدام مشترک» یا بر جام ۲۰۱۵ به روسیه منتقل شد). همچنین از تهران خواسته خواهد شد سانتریفیوژهایی را که مازاد بر ظرفیت مورد نیاز برای تأمین نیازهای کوتاه‌مدت تولید سوخت هستند، برچیند یا برای نگهداری امن به کشور دیگری منتقل کنند. ایران ملزم خواهد بود که به‌سرعت اورانیوم با غنای کمتر از پنج درصد - چه تازه تولید شده و چه از موجودی‌های قبلی - را از شکل گازی، که می‌تواند به سانتریفیوژها تزریق شود و بیشتر برای تولید سلاح هسته‌ای غنی گردد، به شکل پودری تبدیل کند؛ شکلی که برای یک برنامه‌ی تسلیحاتی به‌مراتب کمتر قابل استفاده است و همان شکلی است که برای ساخت سوخت راکتور هسته‌ای یا اهداف تولید ایزوتوپ لازم است. موجودی‌های در دسترس اورانیوم غنی‌شده زیر پنج درصد و همچنین اورانیوم طبیعی در حالت گازی به‌میزانی محدود خواهد شد که فقط برای پاسخگویی به نیازهای کوتاه‌مدت سوخت‌رسانی لازم است. ایران موظف خواهد بود هرگونه ظرفیت توسعه‌یافته غنی‌سازی - مانند سانتریفیوژهای بیشتر، افزایش موجودی اورانیوم غنی‌شده، یا تأسیسات جدید - را به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کند و برای آن توجیهی ارائه دهد؛ ظرفیت‌هایی که ایران معتقد است برای پشتیبانی از الحاقات واقعی و کوتاه‌مدت در برنامه هسته‌ای غیرنظامی خود لازم است (برای مثال، یک راکتور هسته‌ای جدید در مرحله پیشرفته ساخت)، نه برای پشتیبانی از الحاقات که تا مدت‌ها تحقق نخواهند یافت. علاوه بر این، توافق فقط غنی‌سازی در یک تأسیسات واحد و روی زمینی را مجاز خواهد دانست و بستن دائمی تأسیسات غنی‌سازی نطنز و فردو را الزامی خواهد کرد.

